

رخداد

ارثیه، برادرسوزی را رقم زد

■ ایسنا: اختلاف بر سر سهم‌الارث میان سه برادر در یکی از بخش‌های شهرستان رشت، آتشی مرگبار به پا کرد. ماجرا از زمانی آغاز شد که یکی از برادران خانواده که معتاد بود و در استانی دیگر زندگی می‌کرد بر سر مقدار سهمش از ارث با دو برادر دیگرش به تفاهم نرسید و با آنان درگیر شد. برادر معتاد که گمان می‌کرد توان گرفتن سهم‌الارثش را از برادرانش ندارد، پس از عزیمت به گیلان و تهیه یک لیتر بنزین نزد دو برادرش که داخل منزلی حضور داشتند، رفت و پس از مجادله، بنزین را روی آنان و خانه ریخت و با به آتش کشیدن خانه، از محل متواری شد. شدت آتش‌سوزی و نیز جراحات ناشی از آن سه جدی بود که دو برادر راهی بیمارستان شدند و یکی از آنان به علت شدت سوختگی، بعد از یک هفته فوت شد. سرهنگ مجید مرآت، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان گیلان، با تایید این خبر گفت: برادر انتقام‌گیر که درصد فرار از استان بود، توسط کارآگاهان پلیس آگاهی دستگیر و به مقر انتظامی منتقل شد. وی در بازجویی‌های پلیس به بزه انتسابی اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده به دادگاه معرفی و متعاقباً، با قرار بازداشت موقت راهی زندان شد.

پایان درگیری خانوادگی با قتل پسر نوجوان

■ مهر: درگیری اعضای دو خانواده با قتل پسر نوجوان و مجروحیت چهار نفر دیگر پایان یافت. ماموران پلیس آگاهی اردبیل وقتی در جریان درگیری مرگبار در یکی از روستاهای اطراف این شهر قرار گرفتند به آنجا رفتند و دریافتند درگیری بین اعضای دو خانواده رخ داده که در جریان آن پنج نفر با ضربه‌های چاقو به شدت مجروح و راهی بیمارستان شدند. در حالی که تحقیقات در این زمینه ادامه داشت به ماموران اطلاع داده شد یکی از مجروحان به نام علی- ۱۷ساله بر اثر شدت جراحات جان باخته است. ماموران در ادامه با انجام تحقیق از شاهدان ماجرا-هیروا علم جنایت به نام مسعود او را شناسایی کردند. پس از بهبود حال مسعود او را بیمارستان به اداره آگاهی منتقل و در جریان بازجویی‌ها منکر ارتکاب قتل شد. رئیس پلیس آگاهی استان اردبیل در این‌باره گفت: هم‌اکنون تحقیقات برای کشف انگیزه جنایت‌آمده دارد. همچنین در حالی که تمام شاهدان مسعود را به عنوان قاتل معرفی کردند،وی در بازجویی‌ها منکر اتهام خود شده است.

دستگیری سارق نقاب‌پوش

■ شرق: سارق حرفه‌ای برای اینکه شناسایی نشود با استفاده از نقاب تغییر چهره می‌داد. سرهنگ خیرخواهان فرامنده انتظامی کرج در تشریح این خبر اظهار داشت: در پی تماس تلفنی فردی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ و اعلام گزارش مبنی بر اینکه لوازم داخل خودرواش در حالی‌که در کنار در منزل وی پارک شده بود به سرقت رفته است پیگیری موضوع آغاز شد. وی در ادامه گفت: ماموران دریافتند مالباخته زمان دردی با صدای آژیر نزدگیر خودرو متوجه فردی در حال سرقت لوازم داخل خودرو شد. آنها با کمک این مرد چهره فرضی سارق را ترسیم کردند و مشخص شد صاحب عکس از سارقان سابقه‌دار است. فرمانده انتظامی کرج ادامه داد: پیگیری‌ها برای دستگیری سارق فراری ادامه داشت تا اینکه ماموران گشت ساعت دو وبامداد سه‌شنبه به پسر جوانی که رفتارهای مشکوکی داشت مظنون شدند و برای بررسی موضوع به سمت وی رفتند و او به محض مشاهده ماموران با به فرار گذاشت اما در تعقیب و گریز دستگیر و به کلاstrی منتقل شد. وی گفت: ماموران در ادامه فهمیدند این متهم همان سارق تحت تعقیب است که برای شناسایی نشدن با گذاشتن نقاب بر صورتش تغییر چهره داده است. وی تصریح کرد: متهم اقرار کرد به علت اعتیاد شدید به موادمخدر و برای تأمین هزینه اعتیادش در ساعت‌های پایانی روز با شکستن شیشه خودروها لوازم و اموال داخل آنها را به سرقت می‌برد و تاکنون با همین شیوه به ۲۶ فقره سرقت اموال و لوازم داخل خودرو پرداخته است.

رد لاستیک، دست سارق را رو کرد

■ شرق: سارق سابقه‌داری که به دردی از باغ‌های کشاورزان روی آورده بود، بازداشت شد. سرهنگ مصطفی طلوعی رئیس پلیس آگاهی استان زنجان با بیان اینکه در پی وقوع چندین فقره سرقت از باغ‌های حاشیه زنجان ماموران به تحقیق در این خصوص پرداختند، گفت: کارآگاهان با انجام تحقیقات توانستند اثر لاستیک موتوسیكلتی را در آخرین محل سرقت کشف کنند. وی افزود، کارآگاهان با پیگیری اثر لاستیک موتوسیكلت که از محل سرقت تاروستا ادامه داشت، توانستند سرخنی جدید از این پرونده به دست آورند. آنها فهمیدند یکی از سارقان سابقه‌دار به نام «مرتضی» در این روستا ساکن است. طلوعی گفت: متهم با هماهنگی قضایی و اخذ مجوز ورود به منزل در اقدامی غافلگیرانه دستگیر و در بازرسی از منزل وی مقادیری اموال مسروقه کشف شد. رئیس پلیس آگاهی زنجان با بیان اینکه متهم در بازجویی‌ها به ۲۴ فقره سرقت اعتراف کرد، گفت: متهم که با استفاده از تاریکی هوا فودا به سرقت از باغ‌های اطراف می‌کرد همراه پرونده تشکیل‌شده در اختیار مقام قضایی قرار گرفت.

شرق: جوان موادفروش که متهم است کودک کار افغان را مورد آزار قرار داده و به قتل رسانده‌است، در جلسه محاکمه‌اش اتهام خود را رد کرد و گفت: مجبور به اعتراف شده‌است.

به گزارش خبرنگار ما، ماموران پلیس سوم اردیبهشت سال ۸۹ با تماس تلفنی زنی جوان باخبر شدند پسر نوجوانی که به شدت بدحال است در منطقه اتابک در خانهای نگهداری می‌شود. با توجه به شکایت مطرح شده ماموران بلافاصله خود را به محل رساندند و جسم نیمه‌جان جوان نوجوانی به نام سعید را پیدا کردند. آنها با ماموران اورژانس تماس گرفتند و درخواست کمک کردند. مدتی طول کشید تا اورژانس به محل برسد اما زمانی که تکنسین‌ها بالای سر او حاضر شدند و پسرک نوجوان را معاینه کردند، گفتند سعید جان باخته‌است. حامد، جوانی که جسم نیمه‌جان سعید از خانه او بیرون آمده بود، توسط ماموران بازداشت شد. حامد به دستور بازپرس ویژه قتل تحت بازجویی قرار گرفت و اعتراف کرد سعید را به قتل رسانده‌است.

متهم در توضیح آنچه اتفاق افتاده بود گفت: شب قبل از حادثه با سعید به خانه آمدم و من برایش شام آوردم وقتی که خواستیم بخوابیم او را مورد آزار قرار دادم. سعید ناراحت شد و من برای اینکه به دیگران چیزی نگوید دستانم را روی دهانش گذاشتم. نمی‌خواستم بکشمش اما وقتی دستم را برداشتم دیدم سیاه شده‌است. فکر می‌کردم تا صبح حالش خوب می‌شود اما این اتفاق نیفتاد، او را به درمانگاه بردم، گفتند حالش بد است به خانه برگشتم و در راه، یکی از همسایه‌ها من را دید. فکر می‌کنم او موضوع را به پلیس خبر داده باشد. بعد که اورژانس آمد و گفت: پسرک کشته شده‌است. پلیس در ادامه بررسی‌های خود متوجه شد حامد ۱۰ سابقه کیفری دارد که همگی مربوط به لواط است. بازپرس با توجه به این سوابق از پزشکی قانونی خواست علت دقیق مرگ مقتول



۱۳ ساله را توضیح بدهد. متخصصان اعلام کردند سعید مورد آزار جنسی قرار گرفته و بعد بر اثر انسداد مجاری تنفسی جان خود را از دست داده است. بعد از پایان تحقیقات و صدور کیفرخواست پرونده به شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد به این ترتیب روز گذشته حامد به اتهام قتل، پای میز محاکمه رفت. در ابتدای جلسه روشن نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر

اعدام برای آزارگر پسران نوجوان

■ متهم با تهیه فیلم از طعمه‌هایش آنها را تهدید می‌کرد

مورد آزار قرار داده و از من فیلمبرداری کرده است و اگر به خواست‌اش عمل نکنم دوباره فیلم را برای خانواده‌ام می‌فرستد.»
بعد از وادار کرد دوباره به خواست‌اش تن بدهم و چند بار دیگر هم این کار را کرد. در این مدت فهمیدم مرد میانسال با چند نوجوان دیگر هم همین رفتار دارد. ماموران با توجه به شکایت مطرح‌شده تحقیقات خود را آغاز و سه نوجوان دیگر را که مانند پسر شاکي مورد آزار قرار گرفته بودند شناسایی کردند و مورد بازجویی قرار دادند. هر سه نوجوان گفتند توسط مرد میانسال مورد آزار قرار گرفته و هربار با تهدید به خانه او رفته‌اند چرا که مرد میانسال از آنها فیلمبرداری کرده بود و اگر نمی‌رفتند فیلم‌ها را برای خانواده‌اشان می‌فرستاد. پلیس در گام بعدی مرد میانسال را که سارقی سابقه‌دار بود شناسایی و در خانه‌اش بازداشت کرد و مدارکی را که نشان می‌داد از این پسر فیلمبرداری شده است از خانه برد و وی جمع‌آوری کرد. با تکمیل تحقیقات اولیه پرونده برای رسیدگی و بررسی بیشتر به

پشیمانی «صورت زخمی» از قتل پدر

بعد از مشارحه با پدرم، او با تیغ موکتبری به من حمله کرد و من هم برای اینکه تیغ را از دشتن دربیارم دستم را دور گردنش فشار دادم که او خفه شد.»
پرونده بعد از تکمیل تحقیقات مقدماتی در اختیار قضات شعبه اول دادگاه کیفری استان البرز قرار گرفت. در جلسه محاکمه فرید، ابتدا نماینده دادستان به تشریح واقعه پرداخت و سپس خواستار صدور حکم قانونی برای متهم شد. در ادامه مادر مقتول به عنوان ولی‌دم در جایگاه ایستاد و گفت: «فرید نوه من است و نمی‌توانم برای او درخواست قصاص کنم برای همین وی را می‌بخشم اما می‌خواهم او به خاطر جرمی که انجام داده است در زندان بماند.»

فرید نفر بعدی بود که اجازه صحبت یافت. او در حالی‌که اشک می‌ریخت از کشتن پدرش ابراز پشیمانی کرد و گفت: «برادران و خواهرانم می‌دانند پدرم چقدر

شد و بعد از اینکه کیفرخواست را خواند، درخواست مجازات قانونی کرد. در ادامه مادر سعید به عنوان تنها ولی‌دم در جایگاه حاضر شد و گفت درخواست قصاص دارد. او در مورد پسرش گفت: سعید ۱۳سال بیشتر نداشت. او فال می‌فروخت و هزینه زندگی من را تأمین می‌کرد. پسرم با اینکه بچه بود، شب‌ها تا دیروقت کار می‌کرد. گاهی پیش دوستانش می‌رفت و شب به خانه نمی‌آمد. آن شب هم من فکر می‌کردم پیش دوستانش است تا اینکه صبح خبر دادم که قتل رسیده است. در ادامه متهم در جایگاه حاضر شد، او گفت: اتهام‌م را قبول ندارم در این قتل نقشی نداشتم. حامد ادامه داد: من موادفروش بودم و حشیش می‌فروختم. سعید هم مواد می‌فروخت. ما در یک محل کار می‌کردیم و همدیگر را می‌شناختیم. آن شب وقتی داشتم به خانه می‌رفتم دیروقت شده بود. به من گفت: حالا اگر به خانه بروم مادرم عصبی می‌شود و از من خواست او را به خانه‌ام ببرم. من هم قبول کردم. وقتی وارد منزل شدیم، همه خواب بودند برایش غذا آوردم و خورد بعد از چند دقیقه استغراق بعد بخوابید و صبح که خواستم بیدارش کنم، بلند نشد. او را بغل کردم و به درمانگاه بردم، گفتند حالش خوب نیست وقتی وی را به خانه برگرداندم، یکی از همسایه‌ها دید و پلیس را خبر کرد. متهم گفت: قبل از اینکه بخوابیم کراک و حشیش کشیدیم و من فکر می‌کنم سعید به همین دلیل فوت شد و من در مرگ او نقشی نداشتم.

در این هنگام قاضی عبدالهی- رئیس دادگاه- در مورد تناقض گویی متهم در جلسه بازجویی و دادگاه از او سوال کرد و گفت: چرا در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کردی؟ متهم جواب داد: من تحت فشار ماموران اعتراف کردم و گفته‌ایم در اداره آگاهی درست نیست.

بنا بر این گزارش بعد از پایان جلسه دادگاه، هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

او داری. من جوابی نداشتم بدهم تا اینکه متوجه شدم یکی از دوستانم علیه متهم شکایت کرده است. او از من خواست من هم موضوع را اطلاع بدهم.» سپس دیگر شاکي پرونده اظهاراتی شبیه به گفته‌های شاکي اول پرونده بیان کرد.

پرونده بعد از پایان تحقیقات مقدماتی برای رسیدگی آماده و وقت رسیدگی تعیین شد. در وقت تعیین‌شده متهم که با قرار بازداشت در زندان بود به شعبه ۷۷ منتقل شد به آنها تعرض و فیلمبرداری می‌کرد. قضات شعبه ۷۷ سپس شاکیان را احضار کردند. از میان چهار شاکي دو نفر حاضر شدند در دادگاه حضور پیدا کنند. یکی از نوجوانان به قضات گفت: «متهم من را به شیشه معناد کرد و مورد آزار قرار داد. وقتی فهمیدم با من چه کرده دیگر به خانه‌اش نرفتم اما هر دفعه تهدید می‌کرد و می‌گفت فیلمی را که از تو گرفته‌ام بخش می‌کنم و هر بار من را به خانه‌اش می‌کشاند. یکبار تصمیم گرفتم دیگر نروم و هر طور شده در برابرش مقاومت کنم. هرچه تماس گرفت جواب ندماد تا اینکه یک شب وقتی به خانه رفتم مادرم گفت یک نفر تماس گرفته و گفته است که می‌خواهد تو را ببیند و گفته تا دوستان توست و اگر به خانه‌اش نروی و تلفن‌هایش را جواب ندهی فیلم‌ها را می‌فرستد. مادرم از من پرسید چه فیلم‌هایی دست خواهد کرد.

متهم به قتل ادامه داد: «رفتار بد پدرم همچنان ادامه داشت و او مرا کتک می‌زد. کار به جایی رسید که دیگر نتوانستم تحمل کنم و به او گفتم- اگر چند روز مهلت بدهد از خانه‌اش می‌روم. شب حادثه هم دیر وقت به خانه رفتم تا او خوابیده باشد و همدیگر را نبینیم اما وقتی وارد منزل شدم، دیدم هنوز بیدار است. پدرم دوباره مشاجرات را شروع کرد و تیغ موکتبری‌اش را برداشت. در آن لحظه به یاد زخم روی صورتم افتادم و ترسیدم که آن اتفاق دوباره تکرار شود. برای همین گردنش را فشار دادم تا تیغ را از دشتن دربیارم اما او جان باخت. من نمی‌خواستم پدرم را بکشم و از اتفاقی که افتاده است به شدت پشیمان هستم.»

فرید در ادامه گفت: «بعد از مرگ پدرم با خواهرم تماس گرفتم و به او گفتم چه کرده‌ام. وی نیز پلیس را باخبر کرد، بعد ماموران سررسیدند و مرا بازداشت کردند.» بنا بر این- گزارش بعد از اتمام دفاعیات متهم، هیات قضات وارد شور شدند و سه زودی رای خود را صادر خواهند کرد.

درجه



زن شاخدار

ایسنا: زن سالخورده چینی به دلیل رشد شاخ عجیب در پیشانی‌اش به سوژه‌ای برای رسانه‌ها تبدیل شده است. برآمدگی شاخ‌مانند روی پیشانی این زن که بیش از صد سال سن دارد، رشد کرده و طول آن به شش سانتی‌متر رسیده است. این زن گفت: با وجود این شاخ روی پیشانی‌ام هیچ احساس دردی ندارم و تنها مشکل این است که با این شاخ ترسناک و عجیب شده‌ام.

حوادث

قتل کودک کار توسط مرد موادفروش

■ متهم در دادگاه ادعا کرد در مرگ نوجوان افغان نقشی نداشت

حادثه‌ها

تعویق محاکمه همسر کش ایرانی برای استعلام از آمریکا

■ شرق: محاکمه مردی ایرانی که متهم است در آمریکا همسرش را به قتل رسانده برای استعلام از سیستم قضایی آمریکا به تعویق افتاد. این مرد قبلاً در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و تبرئه شده بود اما دیوان‌عالی کشور به این دلیل که از شاهد قتل در آمریکا هیچ تحقیق نشده است، حکم را نقض کرد. ماموران پلیس شهر لاس‌وگاس چهارم ژانویه ۲۰۲۰، از قتل زن جوانی در منزلش باخبر و با حضور در محل حادثه متوجه شدند جسد متعلق به زنی ایرانی به نام الهام است. با انجام تحقیقات بیشتر شوهر این زن به اتهام قتل دستگیر شد. وی درباره انگیزه خود از قتل همسرش گفت: «بعد از ازدواج با همسر، متوجه‌شدم او با مردی آمریکایی رابطه دارد. به او درباره این رفتارش تذکر دادم و او هم به من تعهد داد به این رابطه پایان بدهد. من به ملاقات آن مرد رفتم و به او گفتم به همسرم علاقه دارم و اجازه نخواهم داد او را از من جدا کند اما او جواب داد باید همسرت را ترک کنی. این حرف او را جدی نگرفتم ولی بعد از مدت‌ها فهمیدم آن مرد می‌خواهد مرا بکشد. مدتی از این موضوع گذشت و متوجه شدم آنها همچنان به رابطه خود ادامه می‌دهند. یک روز که به خانه آمدم و آنها را در خانه دیدم، همسرم را کتسم ولی آن مرد از خانه فرار کرد.»متهم بعد از اعتراف به جرمش بازداشت خانگی شد اما با شکستن پابند الکترونیکی فرار کرد و به ایران آمد. وی چندی بعد در حوالی ولنجک دستگیر و در حالی در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد که پدر مقتول خواستار قصاص او بود. متهم در دادگاه در دفاع از خود گفت: من از ۳۲ سال قبل به آمریکا رفتم و اقامت دایم آنجا را داشتم. سال ۷۷ به ایران آمدم و با الهام آشنا شدم. رابطه ما شروع شد و وقتی او فهمید من در آمریکا زندگی می‌کنم، از من خواست با او ازدواج کنم و مدعی شد قبلاً ازدواج نکرده بود اما بعداً فهمیدم به من دروغ گفته است. با این وجود او را به عقد موقت خود درآوردم و دوباره به آمریکا برگشتم و تا سال ۸۱ که با هم ازدواج کردیم، با نامه و تلفن با هم رابطه داشتیم. بعد از ازدواج برای دریافت ویزای او به آمریکا رفتم و در مدت هفت‌ماه‌کی که آنجا بودم همسرم خانه مادرم بود و هیچ‌یک از بستگان همسرم خبری از او نگرفتند. کار ویزای او درست شد و مهر ۸۱ به آمریکا آمد اما رفتار خود را تغییر داد و سه دفعات با مردان غریبه ارتباط داشت. تا اینکه روز حادثه وقتی وارد خانه شدم، او را با مرد دیگری دیدم و با عصبانیت از آنها خواستم خانه را ترک کنند. وقتی مقابل درآمدم، الهام گفت باید به من پول بدهی تا- از خلعت بروم اما من قبول نکردم. به همین دلیل با چاقو چند ضربه به من زد. وی افزود: من روی زمین افتادم. در همین هنگام متوجه شدم آنها قصد دارند خانه را آتش بزنند و مرا بسوزانند. اسلحه کشی من کنارم داخل کمد بود. آن را برداشتم و به سمت آنها شلیک کردم که چهار گلوله به الهام خورد و یک گلوله به رامین، که او موفق به فرار شد. بعد از آن قصد خودکشی با قرص سیلور داشتم که زنده ماندم. بعد از اظهارات متهم، هیات قضات متهم را از قتل عمد تبرئه و به اتهام قتل شبه‌عمد، به پرداخت دیه و حبس محکوم کردند. سپس پرونده به دیوان‌عالی کشور ارجاع داده شد و قضات حکم را نقض کردند. ایراد وارده دیوان‌عالی کشور این بود که از مردی که در جریان این حادثه زخمی شده بود، هیچ تحقیقی صورت نگرفته است. قرار بود جلسه محاکمه مجدد متهم دیروز در شعبه ۷۹ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شود اما به دلیل نظر دیوان‌عالی کشور، قاضی محمدرضامحمدی کشکولی- رئیس دادگاه- تحقیقی از فرد موردنظر را با نیابت به سیستم دادگستری آمریکا محول کرد تا بعد از اعلام نتیجه تحقیقات از سوی مسوولان آمریکایی درباره این پرونده تصمیم‌گیری شود.

آزادی زندانیان با اسناد جعلی

■ شرق: رئیس پلیس آگاهی استان فارس از انهدام باند جاعل حرفه‌ای خبر داد و گفت: اعضای این گروه زندانیان را با مدارک تقلبی آزاد می‌کردند. سرهنگ «سیروس حیدری» توضیح داد: ماموران وقتی متوجه شدند اعضای باند با اسناد جعلی اقدام به آزادی زندانیان می‌کنند با توجه به حساسیت موضوع رسیدگی به پرونده را آغاز کردند. رئیس پلیس آگاهی استان فارس بیان کرد: ماموران پاتوق‌ها و محل‌های رفت و آمد اعضای این باند را شناسایی و دو نفر را دستگیر کردند. وی ادامه داد: در تحقیقات افراد دستگیرشده مشخص شد اعضای باند از افراد معتاد و نیازمند، با دادن وعده‌های واهی سوءاستفاده می‌کردند و اسناد جعل‌شده را به نام آنها می‌زدند و از این طریق به اهداف خود دست می‌یافتند. سرهنگ «حیدری» ادامه داد: با افساهی این موضوع ماموران سه نفر دیگر از اعضای باند را شناسایی و دستگیر کردند و در تحقیقات از این افراد نیز سرخ‌هایی به دست آمد و مشخص شد تبهکاران با پرسه زدن در مقابل داسر‌ها آشنایان و اقوام زندانیانی را که برای آزادی به سند احتیاج داشتند شناسایی و پس از گرفتن پول با جعل سند اقدام به آزادی زندانیان می‌کردند. رئیس پلیس آگاهی فارس اظهار داشت: اعضای این باند هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.